

دراسة مقارنة لوجهات نظر الأصوليين الإمامية وأهل السنة حول إدراك العقل في تمييز الحسن والقبح في الأفعال

سمير اميرزايي^١

محمد علي الراغب^٢

[تاريخ الاستلام: ١٤٠٢/٠٦/٠٥؛ تاريخ القبول: ١٤٠٢/٠٩/٢٣ هـ ش]

الملخص

أغلب الأصوليين الإمامية، بناءً على الأدلة الأربعة، قبلوا الحسن والقبح العقلي، بينما رفض عدد قليل منهم مثل المظفر والمحقق الأصفهاني الحسن والقبح الذاتي والعقلي، واعتبروا أن حقيقة الحسن والقبح في الأفعال تتمثل في تطابق آراء العقلاء، وفقاً لرأي أصوليي أهل السنة مثل أهل الحديث، فإن الحسن والقبح العقلي غير قابل للقبول، وبناءً على رأي ابن تيمية، فإن الحسن والقبح في الأفعال يُفهم أحياناً من العقل وأحياناً من الشرع وأحياناً من كليهما، حيث يقبل أغلب أهل السنة رأي ابن تيمية، وقد توصلت هذه المقالة المقارنة إلى أن قبول الحسن والقبح في الأفعال بشكل عقلي وفطري وفقاً لرؤية الأصوليين الإمامية له آثار، مثل إثبات عدل الله وحسن العدالة واستنباط الأحكام الشرعية بمساعدة العقل، وأن سعادة الإنسان تتوقف على استخدام العقل في العبادة والعبودية لله، في حين أن أهل السنة أنكروا الحسن والقبح العقلي؛ لأنهم يرون أن الحسن والقبح يتأثران بالتقليد والتلقين، مما يؤدي إلى آثار مثل فقدان التمييز بين حسن العدل وقبح الظلم، وصعوبات في استخراج بعض الأحكام الشرعية، وعدم تحقيق عبودية الرب.

الكلمة المفتاحية: دراسة مقارنة المذهب الأصولي والإمامي الأصولي والسني إدراك العقل، الأفعال

الجيدة والسيئة

١. طالبة دكتوراه في الفقه وأصول القانون الإسلامي، قسم الكلام والدراسات الإسلامية، جامعة قم، قم، إيران (المؤلف

المراسل) samiramirzaie34@gmail.com

٢. أستاذ مشارك، قسم علم الكلام والدراسات الإسلامية، كلية الفقه وأصول الشريعة الإسلامية، جامعة قم، قم،

إيران ma.raghebi@qom.ac.ir

بررسی تطبیقی دیدگاه اصولیون امامیه و اهل سنت در مورد ادراک عقل در تشخیص حسن و قبح افعال

سمیرا میرزایی^۱

محمد علی راغبی^۲

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۰۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۲۳]

چکیده

اکثریت اصولیون امامیه بر اساس ادله اربعه، حسن و قبح عقلی را پذیرفتند و تعداد اندکی از آنها مانند مرحوم مظفر و محقق اصفهانی، حسن و قبح ذاتی و عقلی را قبول ندارند و حقیقت حسن و قبح در افعال را تطابق آراء عقلا می دانند. طبق نظر اصولیون اهل سنت مانند اهل حدیث، حسن و قبح عقلی قابل پذیرش نیست و بر اساس نظر ابن تیمیه حسن و قبح افعال گاهی از عقل و گاهی از شرع و گاهی از هر دو فهمیده می شود. اکثریت اهل سنت نظر ابن تیمیه را قبول دارند. مقاله حاضر که به صورت تطبیقی است، به این نتیجه رسیده که طبق دیدگاه اصولیون امامیه، پذیرفتن حسن و قبح افعال به صورت عقلی و فطری دارای آثاری است؛ مانند اینکه با اعانت عقل، عدل الهی و حسن عدالت و استنباط احکام شرعی اثبات می شود و سعادت انسان در گرو به کارگیری عقل، در عبادت و بندگی خداوند است؛ این در حالیست که اهل سنت حسن و قبح عقلی را منکر شدند؛ زیرا آنها حسن و قبح را تحت تأثیر تقلید و تلقین می دانند که آثار آن در فقدان تشخیص حسن عدل و قبح ظلم و مشکلاتی در استخراج برخی از احکام شرعی و عدم عبودیت پروردگار ظاهر می شود.

کلیدواژه: بررسی تطبیقی، دیدگاه اصولیون امامیه، اصولیون اهل سنت، ادراک عقل، حسن و قبح افعال

۱. دانشجوی دکتری رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی، گروه الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه قم، قم، ایران (نویسنده

مستقل) samiramirzaie34@gmail.com

۲. دانشیار گروه الهیات و معارف اسلامی، دانشکده فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه قم، قم، ایران ma.raghebi@qom.ac.ir

مقدمه

قرآن بر حسن و قبح عقلی گواهی می‌دهد و ما را به آنچه عقل و فطرت می‌پسندد، امر می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۱۱، ص ۳۶۶)؛ همچنین پیامبر ﷺ فرمودند: «هر آنچه خوبی و بدی است با عقل درک می‌شود» (مجلسی، ۱۳۸۲: ج ۶۷، ص ۱۵۸). طبق نظر اصولیون امامیه در صورت پذیرش حسن و قبح عقلی، عدل الهی هم اثبات می‌شود؛ زیرا عقل، حسن عدل و قبح ظلم را درک می‌کند؛ ولی گروهی از امامیه حسن و قبح عقلی را نپذیرفته و طبق نظر آنها حسن و قبح عقلی، حقیقتی جز اتفاق آراء عقلا بر مدح عدل و ذم ظلم ندارد (اصفهانی، ۱۴۱۴: ج ۲، ص ۳۱۱-۳۱۵). برخی از اصولیون اهل سنت مانند حنفیه اعتقاد دارند که عقل، حسن و قبح برخی از افعال را درک می‌کند؛ اما اهل حدیث، حسن و قبح عقلی را نمی‌پذیرند (اصفهانی، ۱۴۱۴: ج ۲، ص ۴۳۲) و طبق نظر جوینی، احکام حسن و قبح فقط با کمک بیان شرع صورت می‌پذیرد و عقل آدمی آن را تشخیص نمی‌دهد (جوینی، ۱۳۶۹: ج ۱، ص ۲۶۶). بر اساس نظر ابن تیمیه حسن و قبح افعال در برخی موارد از عقل یا از شرع یا از هر دو فهمیده می‌شود. بیشتر اهل سنت دیدگاه ابن تیمیه را پذیرفته‌اند (ابن تیمیه، ۱۴۲۱: ج ۴، ص ۲۱۵). آثار پذیرفتن حسن و قبح عقلی توسط اصولیون امامیه در اثبات عدل الهی و استخراج احکام شرعی توسط عقل و وجوب بندگی خداوند ظاهر می‌شود؛ در حالی که این آثار در دیدگاه‌های اصولیون اهل سنت نمایان نیست.

برخی از پیشینه‌های موجود در زمینه حسن و قبح عقلی عبارت است از: مقاله «جستاری بر حسن و قبح عقلی از دیدگاه نهج البلاغه» (عباس زاده، ۱۴۰۰) و «حسن و قبح عقلی از منظر فلسفه حقوق» (رحمانی، ۱۳۹۰) و «واکاوی تأثیر و نقش حسن و قبح عقلی در علم اخلاق» (اسدی، ۱۴۰۰). در هیچ‌یک از این مقالات به بررسی تطبیقی دیدگاه اصولیون

امامیه و اصولیون اهل سنت در مورد ادراک عقل در تشخیص حسن و قبح افعال و آثار دیدگاه‌های آنها پرداخته نشده است.

۱. ادله اثبات حسن و قبح عقلی

۱-۱. قرآن

از منظر آیات قرآن برخی از افعال، «حسن» و برخی «قبح» است و طبق این بیان، قرآن افعالی را که نزد همگان معروف و نیکوست، حلال و جایز می‌داند و از ارتکاب رفتاری که نزد همگان زشت و قبیح است، انسان‌ها را بر حذر داشته است و هرگز از آنچه عقل بر حسن آن گواهی دهد، نهی نکرده؛ بلکه به آنچه عقل و فطرت می‌پسندد، امر کرده است. قرآن ما را به عدالت و نیکی و پرهیز از ظلم و منکر دعوت می‌کند و به روشنی بر حسن و قبح عقلی گواهی می‌دهد؛ همان‌طور که در آیه ۹۰ سوره نحل خداوند می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» در حقیقت خداوند به دادگری و نیکوکاری و بخشش به خویشاوندان فرمان می‌دهد و از کار زشت و ناپسند و ستم‌بازی دارد، به شما اندرز می‌دهد تا شاید شما به یاد بیاورید و پند بگیرید». انسان بر اساس عقل حسن و قبح، اعمال را درک می‌کند و این نشانه هماهنگی احکام دین با فطرت و عقل انسان است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۱، ص ۳۶۶).

۲-۱. روایات

در مورد حسن و قبح عقلی و استفاده از نیروی عقل در انجام امور، روایات بسیاری بیان شده است. امام کاظم علیه السلام در مورد عقل می‌فرماید: «خداوند برای بندگانش دو راهنما قرار

داده، یکی ظاهری و دیگر باطنی، راهنمای ظاهری پیامبران و ائمه‌اند و راهنمای باطنی عقل است» (کلینی، ۱۳۸۵: ج ۱، ص ۱۶)؛ همچنین پیامبر ﷺ می‌فرماید: «همه خیر و خوبی‌ها به وسیله عقل ادراک می‌شود و کسی که عقل ندارد، دین ندارد» (مجلسی، ۱۳۸۲: ج ۷۷، ص ۱۵۸). امیرالمؤمنین (علیه السلام) نیز در مورد عقل می‌فرماید: «ما عُبِدَ بِهِ الرَّحْمَنُ وَ اكْتُسِبَ بِهِ الْجَنَانُ؛ عقل آن چیزی است که به وسیله آن خدای رحمان عبادت شود و بهشت به دست آید» (کلینی، ۱۳۸۵: ج ۱، ص ۱۱). عقل آن است که انسان را به عبادت خداوند و بندگی او رهبری کند و سعادت همیشگی را به انسان بدهد که این حدیث، دلالت بر عقل عملی دارد (آملی، ۱۳۹۹: ج ۱۴، ص ۱۹). در واقع آنچه در روایات آمده است عقل را به عنوان هدایتگر درونی و یکی از شرایط دین داری معرفی کرده است.

۱-۳. عقل

عقل به صورت مستقل و جداگانه حسن و قبح (خوب و بد) افعال را تشخیص می‌دهد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۲، ص ۴۹۸-۵۰۲). افعال، دارای حسن و قبح ذاتی هستند؛ یعنی خداوند امر به نیکی و نهی از بدی کرده است (مشکینی، ۱۳۷۱: ج ۱، ص ۱۸۴). از نظر اصولیون عقل می‌تواند به صورت فی الجمله حسن و قبح افعال را درک کند و از نظر برخی اخباریون، عقل نمی‌تواند حسن و قبح افعال را درک کند (مظفر، ۱۳۸۳: ج ۱، ص ۲۲۳-۲۲۵). به عقیده اصولیون شیعه احکامی که به عنوان حکم عقلی شناخته می‌شوند، دو حالت دارند؛ نه به طور مطلق مردود هستند و نه به طور مطلق قابل پذیرش و اعتماد؛ زیرا احکامی که ظاهراً احکام عقلی شناخته می‌شوند، به دو دسته تقسیم می‌شوند: ۱- احکامی که برگرفته از عقل سلیم است و در اموری که عقل بشر به آنها دسترسی دارد، بدون کمک

وحی می‌تواند به شناخت صحیح از آنها دست یافت؛ یعنی مستقلات عقلی که در این موارد، بی‌تردید حکم عقل دارای ارزش و اعتبار است. ۲- احکام ریشه‌یافته از تمایلات نفسانی که غریزی است و در این موارد، اگرچه عرف مردم چنین احکامی را احکام عقلی می‌نامند؛ ولی افراد واقع‌نگر چنین احکامی را عقلی نمی‌دانند و به آنها اعتماد نمی‌کنند (جناتی، ۱۳۷۰: ص ۲۴۲).

عقل می‌تواند علت حُسن فعلی را که در شرع به آن امر شده یا قبح فعلی را که در شرع از آن نهی شده، درک کند و اگر علت حسن و قبح را در بعضی افعال نفهمد، در عقلی بودن حسن و قبح خدشه‌ای وارد نمی‌سازد؛ زیرا می‌داند اگر مصلحت یا مفاسده‌ای نداشت، طلب فعل یا ترک آن از شارع قبیح بود. نه‌تنها نمی‌توان حسن عدل و قبح ظلم را انکار کرد؛ بلکه می‌توان به بداهت آن حکم کرد. با توجه به اینکه در آنها مصالح و مفاسد عامه وجود دارد، می‌توان بیان داشت آنها احکامی از عقل نظری هستند که به اعانت عقل عملی خواهند آمد (سبزواری، ۱۳۷۲: ص ۳۱۹-۳۲۲).

۲. دیدگاه اصولیون امامیه در مورد حسن و قبح عقلی

حکمی که به وسیله آن دسترسی به حکم شرعی ممکن می‌شود، دلیل عقلی است و از منظر ایشان دلیل عقلی بر دو نوع است: ۱- دلیل عقلی که به‌تنهایی و بی‌نیاز از حکم شرع، حسن و قبح افعال را تشخیص می‌دهد. ۲- دلیل عقلی که نیازمند حکم شرعی است. عقل سلیم یکی از حجت‌هاست و حکم شریعت بر اساس عقل است؛ زیرا عقل، زبان شرع است و احکام عقلی به این علت حجت هستند که احکام شرع را بازگو می‌کنند (شیخ انصاری، ۱۳۶۲: ص ۲۲۹-۲۳۴). عقل نمی‌تواند مصالح و مفاسد موجود در احکام

را تشخیص دهد و باعث می شود انسان دچار خطا شود؛ ولی هنگام ثبوت حکم شرعی و هنگامی که امر و نهی به یک شیء تعلق می گیرد، می توان به مصلحت و مفسده حکم واقعی پی برد (خویی، ۱۴۱۰: ج ۳، ص ۷۰).

حسن و قبح دارای معانی مختلفی است:

الف) حسن به معنای کمال و قبح به معنای نقص؛

ب) حسن یعنی سازگار بودن با طبع و روان و قبح به معنای عدم سازگاری با طبع و روان (مظفر، ۱۳۸۳: ص ۲۲۹). گاهی حسن به معنای ملائمت با طبع است، در برابر قبح به معنای عدم ملائمت با طبع که گاهی از آنها به مصلحت و مفسده تعبیر می شود؛

ج) گاهی حسن به معنای مدح به کار می رود، در برابر قبح به معنای ذم؛ از این رو حسن به معنای فعلی است که فاعلش به سبب آن، شایستگی ستایش دارد و قبح به معنای فعلی است که فاعلش به سبب آن شایستگی نکوهش است. کاربرد حسن و قبح به این معنا تنها در افعال اختیاری است.

از معانی حسن و قبح، معنای سوم (استحقاق مدح و ذم) مورد نزاع است (ایجی، ۱۳۲۵: ج ۸، ص ۱۸۲؛ مظفر، ۱۳۸۳: ج ۱، ص ۲۱۲؛ تفتازانی، ۱۴۰۹: ج ۴، ص ۲۸۲). حسن به معنای مورد مدح بودن و قبح به معنای مورد ذم بودن فاعل عندالعقل است و ظلم، قبیح است؛ یعنی باید ترک شود. حسن و قبح به این معنا فقط صفت برای افعالی است که با اختیار از فاعل صادر می شود (مظفر، ۱۳۸۳: ج ۱، ص ۲۲۹).

حسن و قبح عقلی به این معناست که افعال، قطع نظر از حکم شارع مقدس، در ذات خود دارای حسن و قبحی هستند که عقل بدان حکم می کند. معنای حُسن، بودن فعل به گونه ای است که فاعل آن سزاوار ستایش و پاداش باشد و مراد از قبح، بودن

فعل به گونه ای است که مرتکب شونده آن، مستحق سرزنش و کیفر باشد. مرحوم مظفر حقیقت حسن و قبح در افعال را تطابق آراء عقلا می داند و معتقد است قضایای حسن و قبح عقلی، و رای تطابق عقلا، واقع و نفس الامری ندارند. از طرفی اگر عقلای بشر بر مطلبی توافق داشته باشند، کاشف از بدیهی بودن آن است. از این رو می توان گفت بنابر نظر ایشان، قضایای حسن و قبح همیشه از بدیهیات هستند. در قضایای حسن و قبح که مورد توافق و از بدیهیات است، اگر شارع را از عقلا یا رئیس عقلا بدانیم، می توان توافق او را با عقلا کشف کرد؛ اما اگر شارع را از زاویه خالق العقلا بنگریم، چه در بدیهیات و چه در نظریات می توان حکم شارع را کشف نمود (ربانی، ۱۳۹۳: ص ۵-۲۶).

ملاک حسن و قبح، ملائمت و منافرت افعال با قوه عاقله است و در مورد حسن و قبح ذاتی می گوید ارزش افعال در ذات آنها است و نیازی به قرارداد و اعتبار نیست و احساسات، نشئت گرفته از واقعیت ذاتی حسن و قبح است (آخوند خراسانی، ۱۴۰۷: ص ۱۲۴). عقل، عدل را ملائم می بیند؛ در نتیجه به حسن بودن آن حکم می کند و در مقابل این نظریه، محقق اصفهانی می گوید صحت مدح و ذم بر اساس توافق آراء عقلا است (اصفهانی، ۱۴۱۴: ج ۲، ص ۳۱۲-۳۱۴) و احکام اخلاقی مانند حسن عدل و قبح ظلم در زمره مشهورات یا مقبولات هستند. بر این اساس ایشان حسن و قبح ذاتی را نپذیرفته و حسن و قبح عقلی را به استحقاق مدح و ذم نزد عقلا برگردانده است که حقیقتی جز اتفاق آراء عقلا بر مدح عدل و ذم ظلم ندارد (اصفهانی، ۱۴۱۴: ج ۲، ص ۳۱۱-۳۱۵). ممکن است یک قضیه هم در ضروریات و هم در مشهورات باشد؛ اما در این مورد مصداق ندارد، بلکه از اولیات است که عقل نظری به آن حکم می کند و همگان آن را قبول دارند (اصفهانی، ۱۴۱۴: ج ۲، ص ۳۱۵) و می فرماید: «قضیه حسن عدل و قبح ظلم جزء مدرکات عقلیه ای است که داخل در احکام

عقلیه عملیه است و برگرفته از آراء مشترک بین عقلاست» (اصفهانی، ۱۴۱۴: ج ۲، ص ۳۱۵). برخی از ادراکات عقل مانند حسن عدل و قبح ظلم ذاتی است و ایشان دروغ را قبیح می داند؛ زیرا قبح آن فعلی است، نه اقتضایی (خمینی، ۱۳۸۵: ج ۲، ص ۱۱۲-۱۱۴) و برای عقل نقش مهمی در استنباط احکام شرعی و علم فقه و اصول قائل هستند و بر اساس نظری عقل طبق مصلحت و مفسده افعال، حکم صادر می کند (خمینی، ۱۴۰۰: ج ۷، ص ۳۸۴).

حسن و قبح عقلی یعنی زشتی و زیبایی که به چشم دیده نمی شوند؛ ولی عقل آن را درک می کند (مطهری، ۱۳۹۰: ج ۲۱، ص ۲۲۶). متفکران اسلامی معانی مختلفی برای حسن و قبح ارائه داده اند: کمال و نقص، سازگاری یا ناسازگاری با طبع انسان و مدح و ذم، که همه آنها در معنای حسن و قبح به کار گرفته می شود؛ ولی شهید مطهری معنای دوم یعنی سازگاری و ناسازگاری با طبع را پذیرفته و بر این باور است که ریشه حسن و قبح امری درونی است (مطهری، ۱۳۹۰: ج ۱، ص ۱۳۱). عقل بالاترین قوه برای ادراک حسن و قبح افعال است که از آن در مباحث اعتقادی استفاده می شود (حلی، ۱۴۱۳: ص ۳۲۷).

یک دسته از علمای اسلامی طرفدار حسن و قبح عقلی هستند و می گویند فرمان شارع تابع حسن و قبح و صلاح و فساد واقعی اشیاء است و دسته دیگر منکر حسن و قبح عقلی اشیاء هستند و می گویند حسن و قبح اشیاء، تابع دستور شرعی است (مطهری، ۱۳۹۲: ج ۴، ص ۸۱۲). منظور از حکم عقل، ادراک آن است؛ زیرا کار عقل، درک حسن یا قبح فعل است؛ یعنی در موضوع کلی عدل و ظلم معقول نیست که شارع از آن جهت که عاقل است، حکمی برخلاف حکم عقلا داشته باشد و با حفظ حیثیت عاقلیت به آنچه مورد حکم عقلاست، حکم نکند و هرگاه فعل به گونه ای باشد که انجام آن از نظر عقل و عقلای بشر، سزاوار ستایش یا نکوهش باشد، از نظر خداوند که آفریدگار عقل و عقلای

بشر است، همان‌گونه خواهد بود؛ زیرا در غیر این صورت احتمال تخطئه حکم و درک عقل از سوی خداوند در همه مسائل داده خواهد شد و تلازم حکم عقل و شرع در هیچ حکم و ادراک عقلی، اعتبار شرعی نخواهد داشت و لازمه آن، این است که مسئله اثبات وجود خدا و شریعت بر بشر مسدود شود که در نادرستی آن از دیدگاه شرع، تردیدی وجود ندارد (لاهیجی، ۱۳۷۲: ص ۳۴۳).

یکی از اصلی‌ترین ملاک‌ها در معرفت خداوند عقل است و اگر عقل در وادی معرفت خدا معتبر باشد، دلیلی ندارد که عقل را در شناخت حسن و قبح احکام استفاده نکنیم و آن را از حجیت بیندازیم (جناتی، ۱۳۷۰: ص ۲۴۲). معتزله طرفدار حسن و قبح ذاتی عقلی هستند و مستقلات عقلیه را مطرح و بیان کرده‌اند عقل انسان بدون آنکه نیازی به ارشاد شرع داشته باشد، حقایق مسلم را درک می‌کند و در مقابل آنها اشاعره، یک صفت ذاتی مانند عدل و حسن و قبح ذاتی عقلی را منکر شده‌اند؛ زیرا آنها حسن و قبح را اموری نسبی و تابع شرایط خاص زمان‌ها و محیط‌ها و تحت تأثیر تقلید و تلقین می‌دانستند (مطهری، ۱۳۹۲: ج ۱، ص ۴۴). حتی افرادی که به شریعت اعتقاد ندارند، حسن و قبح افعال مانند عدل و ظلم، صدق و کذب را قبول دارند و اگر منشأ اعتقاد به حسن و قبح افعال، منحصر در شرع بود، باید اعتقاد به حسن و قبح افعال به پیروان شرایع اختصاص داشته باشد؛ درحالی‌که آداب و رسوم ملل و اقوام نیز متفاوت است؛ بنابراین اتفاقی که در حسن و قبح افعال دارند در فطرت درونی انسان است و چون فطرت و خرد همگانی است، حسن و قبح افعال نیز همگانی است. البته از آنجا که درک عقل محدود است، حسن و قبح بسیاری از افعال از طریق شرع روشن می‌شود و این مورد اتفاق همه اقوام و ملل نیز نیست (نوبخت، ۱۴۱۳: ص ۴۵؛ بحرانی، ۱۴۰۶: ص ۱۰۴).

در اسلام به اموری مانند عدالت، امر و از ظلم نهی شده است. اگر بگوییم که عدل از ابتدا و بالذات چون نیکو بوده سپس به آن امر شده و ظلم چون ذاتاً نکوهیده بوده سپس از آن نهی شده، در واقع حسن و قبح عقلی را پذیرفته ایم. اگر حسن و قبح عقلی را بپذیریم که بر اساس حق و عدالت و واقعیت بوده و شارع همیشه آن واقعیات را در نظر داشته، در موارد برخورد به حکم صریح عقل و علم، عقل را به عنوان یک راهنما در مواردی که صلاح و فساد را درک کند، می پذیریم (مطهری، ۱۳۹۰: ج ۴، ص ۹۵۴). عدل الهی، خود حقیقتی است و عدالت از صفاتی است که قطعاً باید خداوند را به آن موصوف بدانیم (مطهری، ۱۳۹۲: ج ۱، ص ۴۹). چون خداوند از هرگونه نقص و عیبی در ذات و صفات منزّه است، لازمه کمال ذاتی خداوند این است که فعل او از هر عیب و نقصی به دور باشد، یعنی بین کمال در ذات و صفات و کمال در فعل ملازمه وجود دارد و عقل آن را درک می کند نه اینکه آن را جعل کند یا اعتبار دهد. ولی اشاعره به اشتباه بین وجوب کلامی و فقهی تفاوتی قائل نشدند و آن را به عنوان اشتراک لفظی در نظر نگرفته اند (طوسی، ۱۴۰۵، ۳۴۲) با انکار حسن و قبح عقلی راه تشخیص صدق ادعای نبوت هم از بین می رود، و در نتیجه ارسال پیامبران برای هدایت بشر لغو خواهد بود (حلی، ۱۳۸۳: ص ۸۴).

«اصلی ترین نقطه در مبحث حسن و قبح عقلی واقعیت داشتن این دو امر است؛ به این معنا که آیا حسن بودن عدل و قبیح بودن ظلم به این دلیل است که عقل بشری، واقعیتی را ورای این دو قضیه درک کرده که به سبب آن، حکم به حسن عدل و قبح ظلم نموده است یا اینکه نه، صرفاً به خاطر اینکه از آراء محموده بوده و تنظیم زندگی بشری و نظام آن وابسته به این امر است، این دو قضیه مورد تصدیق عقل واقع شده است» (اصفهانی، ۱۴۱۴: ص ۳۳۷).

سابقاً از مرحوم مظفر و استاد ایشان، محقق اصفهانی، نقل شد که این دو بزرگوار قائل به نظر دوم هستند؛ اما در طرف مقابل، آیت الله حکیم این ادعا را رد نموده و گفته است حسن و قبح، دو امر واقعی هستند و لازم نیست حتماً یک فرد عاقلی بگوید عدل خوب است و ما هم طبق نظر او نیکو بودن عدل را تصدیق کنیم. حسن عدل و قبح ظلم دائرمدار مدح و ذم عقلاً نیست. در عرف این جمله را می‌گوییم که «خوب است انسان راست بگوید و خوب نیست که دروغ بگوید» و کاری نداریم به عقلاً که این را قبول داشته باشند یا قبول نداشته باشند؛ فقط اینکه در شأن انسان نیست، دروغ بگوید.

«اگر کار خوبی مانند عدل با قبح مزاحم پیدا کند، آن را از قبح در نمی‌آورد و آن عنوان مزاحم باعث می‌شود که این چراغ، کور شود و اصلاً به آن عدل نمی‌گوییم؛ درحالی که شما می‌گویید که عدل با وجود مزاحم، هنوز عدل است و یک جهت بدی دارد و این جهت مزاحم باعث می‌شود برای انجام عدالت، دیگر انگیزشی وجود نداشته باشد» (حکیم، ۱۴۱۴: ج ۱، ص ۱۶۹).

عقل، حُسن عدل را درک می‌کند؛ مانند مدرکات عقلیه که همه مبتنی بر یک واقعیتی هستند و عقل فرمان می‌دهد که فعل نیک انجام شود و از فعل ناپسند اجتناب شود (حکیم، ۱۴۲۸: ج ۳، ص ۳۸۸). مکارم شیرازی در این باره گفته‌اند:

«این حرف محقق اصفهانی است که یکی گفته عدل خوب است و به دنبال حرف او ما هم گفتیم که خوب است و اگر کسی این را نمی‌گفت و انشاء نمی‌کرد ما هم نمی‌گفتیم؛ درحالی که این طور نیست؛ زیرا این موارد از امور بدیهی و واقعیت‌های تکوینی هستند که اگر هیچ انسانی هم نباشد، قوه عقل فطرتاً درک می‌کند که ظلم بد است» (مکارم شیرازی، ۱۴۱۶: ج ۲، ص ۴۶۹).

«درون عقل، انگیزش و تحریکی وجود دارد که می‌گوید به سمت عدل برو و از ظلم دوری کن، نه اینکه عقلاً این قانون را جعل کرده باشند و این موضوع از احکام بدیهی و همان عقل عملی است؛ مثلاً اگر همه عقلاً در سازمان ملل جمع شوند و بگویند که ظلم خوب است تأثیری در درک عقل نمی‌گذارد که ظلم را قبیح نداند» (سبحانی، ۱۴۱۵: ص ۲۸) و طبق آنچه موجب کمال نفس است (مثلاً علم) و آنچه موجب نقصان نفس است (مثلاً جهل) واقعیت است و هیچ ارتباطی با عقلاً و تطابق آرای آنها ندارد، این حسن و قبح ذاتی است و جزء قضایای یقینیات محسوب می‌شود. شارع مقدس نمی‌تواند امر حسنی را تقبیح کند. امر حسن مؤدای عقل نظری است و بر طبق آن است که عقل عملی هم می‌گوید «ینبغی فعله»؛ در اینجا شارع نمی‌آید به جای «ینبغی فعله»، «ینبغی ترکه» بگوید.

حسن و قبح به معنای کمال و نقص، سازگاری و ناسازگاری، ملائمت و منافرت با طبع، عقل نظری است و حسن و قبح به معنای مدح و ذم یعنی انجام فعل یا ترک آن، عقل عملی است و موضوع حسن و قبح عقلی در حیطه مدرکات عقل عملی است؛ یعنی عدل، حسن است و انجام آن لازم و ظلم قبیح است و ترک آن لازم (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۹: ص ۳۲۸).

۳. دیدگاه اهل سنت در مورد حسن و قبح عقلی

برخی از علمای اهل تسنن مانند علمای حنفیه اعتقاد دارند که عقل، حُسن و قبح برخی از افعال را درک می‌کند؛ مانند پذیرفتن یک سری از واجبات و محرمات، به عنوان مثال: وجوب تصدیق پیامبر و حرمت داشتن تکذیب وی (تفتازانی، ۱۴۰۹: ج ۴، ص ۲۹۳)؛

اما اهل حدیث حسن و قبح عقلی را نمی‌پذیرند و هیچ اعتقادی بر آن ندارند و منکر آن هستند (اصفهانی، ۱۴۱۴: ص ۴۳۲). احکام حسن و قبح فقط با کمک بیان شرع صورت می‌پذیرد و عقل آدمی آن را تشخیص نمی‌دهد.

برای اثبات حسن و قبح شرعی از روش تقسیم استفاده می‌کند و دوران بین نفی و اثبات را آن قدر ادامه می‌دهد تا حسن و قبح شرعی را استنتاج می‌کند (جوینی، ۱۳۶۹: ص ۲۶۶). حسن و قبح افعال و امور با وحی و سنت مشخص می‌شود و عقل، حسن و قبح افعال را تشخیص نمی‌دهد؛ بلکه آن افعالی که فاعل آنها از طرف شرع مورد ستایش قرار می‌گیرد، خوب و حسن است و آن افعالی که فاعل آنها از طرف شارع، مورد نکوهش قرار می‌گیرد بد و قبیح گفته می‌شود (جوینی، ۱۳۶۹: ص ۲۵۸).

ابن تیمیه حسن و قبح را به معنای ملائمت و منافرت می‌داند و از نظری هر چه باعث لذت می‌شود، کمال و آنچه باعث درد می‌شود، نقص است؛ در نتیجه لذت و درد و مدح و ذم، نوعی ملائمت و منافرت با نفس است. وی حسن و قبح شرعی را قبول ندارد و با اینکه حسن و قبح عقلی را پذیرفته؛ ولی بیان می‌کند که نظر معتزله و شیعه را در این مورد قبول ندارد (ابن تیمیه، ۱۴۲۶: ج ۸، ص ۴۴۶) و حسن و قبح افعال را به سه قسم تقسیم می‌کند:

- ۱- افعالی که شامل مصلحت و مفاسد هستند و عقل بدون بیان شارع آن را تشخیص می‌دهد.
- ۲- افعالی که با امر و نهی خداوند، حسن یا قبیح می‌شوند.
- ۳- افعالی که خداوند به قصد امتحان بندگان به آنها امر می‌کند و خود فعل، منظور شارع نیست. به نظری حسن و قبح افعال گاهی از عقل و گاهی از شرع و گاهی از هر دو فهمیده می‌شود (ابن تیمیه، ۱۴۲۱، ج ۸، ص ۲۱۵) و تفسیری را که او از حسن و قبح دارد، اکثریت اهل سنت مانند حنبلی‌ها، حنفی‌ها، شافعی‌ها و مالکی‌ها قبول دارند (ابن تیمیه، ۱۴۲۶: ج ۸، ص ۴۲۱).

نتیجه‌گیری

یکی از مسائل مهم در ارتباط با عقل، بحث حسن و قبح عقلی است که بر اساس نظر برخی از اصولیون امامیه مانند شیخ انصاری و امام خمینی، عقل به طور ذاتی و فطری حسن و قبح افعال را درک می‌کند و میان حکم عقل و شرع ملازمه است؛ یعنی از حکم عقل می‌توان به حکم شرعی دست یافت و در جایی که عقل نسبت به موضوعی یقین حاصل کند، می‌توان از آن در استنباط حکم شرعی استفاده کرد. یکی از راه‌های اثبات وجود عدل الهی، پذیرفتن حسن و قبح عقلی است؛ ولی بر اساس نظر محقق اصفهانی و مرحوم مظفر در مورد افعال، حسن قبح عقلی وجود ندارد و آنها حسن و قبح شرعی را پذیرفته‌اند؛ یعنی هر چه از نظر شارع نیکو باشد، حسن و هر چه از نظر او ناپسند باشد، قبیح است. طبق نظر این دو بزرگوار حسن و قبح عقلی به سبب مطابقت با آراء عقلا (آراء محموده) ایجاد شده است و طبق نظر اهل تسنن، از جمله حنفی‌ها عقل، حسن و قبح برخی از افعال را مانند پذیرفتن یک سری از واجبات و محرمات درک می‌کند؛ اما اهل حدیث حسن و قبح عقلی را نمی‌پذیرند. آنها هیچ اعتقادی بر آن ندارند و منکر آن هستند و بر اساس نظر جوینی، احکام حسن و قبح فقط با کمک بیان شرع صورت می‌پذیرد و عقل آدمی آن را تشخیص نمی‌دهد. طبق نظر ابن تیمیه حسن و قبح افعال گاهی از عقل و گاهی از شرع و گاهی از هر دو فهمیده می‌شود و تفسیری را که او از حسن و قبح دارد، اکثریت اهل سنت مانند حنبلی‌ها، حنفی‌ها، شافعی‌ها و مالکی‌ها قبول دارند.

مقاله حاضر که به صورت تطبیقی نظرات اصولیون امامیه و اهل سنت را مطرح کرده است، بیان می‌کند که طبق دیدگاه‌های برخی از اصولیون امامیه و ادله اربعه، حسن و قبح عقلی یک امر درونی و فطری است و مدح و ذمی که وجود دارد قبل از بیان شارع و به صورت

عقلی وجود دارد، نه اینکه بعد از بیان شارع باشد. همچنین طبق حسن و قبح عقلی، عدل الهی و حسن عدالت و لزوم بندگی خداوند اثبات می‌شود؛ اما بر اساس نظر اصولیون اهل سنت حسن و قبح عقلی قابل پذیرش نیست؛ در نتیجه برخی از آنها نمی‌توانند عدل الهی و حسن عدالت و وجوب بندگی پروردگار را اثبات کنند و در استخراج احکام شرعی با مشکلاتی مواجه خواهند شد.

منابع

قرآن کریم

اسدی کوه‌باد، هرمز (۱۴۰۰)، «واکاوی تأثیر و نقش حسن و قبح عقلی در علم اخلاق»، پژوهش‌های اخلاقی، ش ۳، ص ۵-۲۴.

اصفهان‌ی، محمدحسین (۱۴۱۴ق)، نه‌ایه الدرایه فی شرح الکفایه، قم: مؤسسه آل بیت (ع).
ابن تیمیه، احمد بن عبد الحلیم (۱۴۲۶ق)، بیان تلبیس الجهمیه فی تأسیس بدعهم الکلامیه، مدینه نبویه: مجمع الملك فهد.

_____ (۱۴۲۱ق)، التدمریة. ج ۳، ریاض: مكتبة العبيكان.

آخوند خراسانی، محمدکاظم (۱۴۰۷ق)، فوائد الأصول، تصحیح: سیدمهدی شمس‌الدین، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

ایجی، میرسید شریف (۱۳۲۵)، شرح المواقف، ج ۱، قم: الشریف الرضی.
بحرانی، ابن میثم (۱۴۰۶ق)، قواعد المرام فی علم الکلام، ج ۲، قم: مكتبة آية الله المرعشي النجفی.
تفتازانی، سعید بن مسعود (۱۴۰۹ق)، شرح المقاصد، قم: الشریف الرضی.
جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۹)، صورت و سیرت انسان در قرآن، تفسیر موضوعی قرآن، تهران: اسراء.

- جناتی، محمد ابراهیم (۱۳۷۰)، منابع اجتهاد از دیدگاه مذاهب اسلامی، تهران: کیهان.
- جوینی، عبدالملک (۱۳۶۹ق)، الإرشاد إلى قواطع الأدلة في أصول الاعتقاد، تصحیح: دکتر محمد یوسف موسی و دکتر عبدالمنعم عبدالحمید، مصر: مكتبة الخانجي.
- حلی، حسن بن یوسف (۱۳۸۳)، کشف المراد، ج ۱، قم: نور الثقلین.
- حکیم، محمد سعید (۱۴۲۸ق)، الکافی فی أصول الفقه، بیروت: دار الهلال.
- _____ (۱۴۱۴)، المحکم فی أصول الفقه، قم: مؤسسة المنار.
- خمینی، روح الله (۱۳۸۵)، المکاسب المحرمة، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- _____ (۱۴۰۰)، دانشنامه امام خمینی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خویی، ابوالقاسم (۱۴۱۰)، محاضرات فی أصول الفقه، قم: صدر.
- ربانی گلپایگانی، علی (۱۳۹۳)، «تلازم حکم عقل و شرع»، فصلنامه قبسات، دوره ۱۹، ش ۷۱، ص ۵-۲۶.
- رحمانی، عبدالوهاب (۱۳۹۰)، «حسن و قبح عقلی از منظر فلسفه حقوق»، مجله بلاغ، ش ۳۵، ص ۱۰-۲۵.
- سبحانی، جعفر (۱۴۱۵ق)، الرسائل الاربع (قواعد اصولیه و فقهیه)، قم: مؤسسه امام صادق (ع).
- سبزواری، ملاهادی (۱۳۷۲)، شرح الأسماء أو شرح دعاء الجوشن الکبیر، تهران: دانشگاه تهران.
- طوسی، نصیر الدین (۱۴۰۵ق)، تلخیص المحصل، ج ۲، بیروت: دارالأضواء.
- عباس زاده، محمد (۱۴۰۰)، «جستاری بر حسن و قبح عقلی از دیدگاه نهج البلاغه»، نشریه فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه، ش ۳۳، ص ۵۷-۷۰.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۵)، الکافی، ج ۲، تهران: قائم آل محمد (عج).
- لاهیجی، عبدالرزاق (۱۳۷۲)، گوهر مراد، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مجلسی، محمد باقر (۱۳۸۲)، بحار الأنوار، ج ۴، تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- مشکینی، علی (۱۳۷۱)، اصطلاحات اصول، ج ۵، قم: الهادی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۲)، فلسفه اخلاق، ج ۴۳، تهران: صدرا.

_____ (۱۳۹۰)، مجموعه آثار، تهران: صدرا.

مظفر، محمدرضا (۱۳۸۳)، أصول الفقه، بیروت: دار الفکر.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتاب اسلامی.

_____ (۱۴۱۶)، أنوار الأصول، قم: انتشارات نسل جوان.

موسوی بجنوردی، محمد (۱۳۷۹)، علم اصول، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

نوبخت، ابواسحاق ابراهیم (۱۴۱۳ق)، الياقوت في علم الکلام، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.